

## خانواده، دانشگاه و جامعه پذیری مذهبی

محمدرضا طالبان

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

### چکیده

این مقاله به تحلیل یکی از نتایج ناخواسته آموزش عالی در نظام فرهنگی و ارزشی جامعه می‌پردازد. پژوهش‌های انجام شده در ایران غالباً حکایت از همبستگی منفی میان دینداری و تحصیلات (بالاخص در سطح عالی) داشته است. در این مقاله پژوهشی نیز به صورت توصیفی نشان داده شده که این تفاوت دینداری بزرگسالان در فرزندان نوجوان آنان نیز مشاهده می‌شود. برای تفسیر نظری این پدیده، مدلی تبیینی ارائه و از آن مدل به طور منطقی فرضیاتی استخراج گردید. سپس براساس نمونه‌ای تصادفی، فرضیات تحقیق در آزمون تجربی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که دینداری ضعیف‌تر فرزندان نوجوان خانواده‌های تحصیلکرده دانشگاهی نسبت به همالان آنها در سایر خانواده‌ها، بهایی است که این نوع خانواده‌ها برای موفقیت تحصیلی بیشتر فرزندان به منظور باز تولید موقعیت اجتماعی‌شان می‌پردازند.

**واژگان کلیدی:** دینداری، تحصیلات دانشگاهی، جامعه پذیری دینی، فشارهنجاری مذهبی، تبیین‌گرایی، تبیین موقعیتی، نقش‌های ساختی درون خانواده.

## مقدمه

مروری بر متون پژوهشی در ایران (بالاخص در شهر تهران) نشان می‌دهد که از هر شاخص رفتاری که برای دینداری یا تعلقات مذهبی مردم استفاده کنیم "تحصیلات" همبستگی منفی با "دینداری" دارد. به عبارت دیگر وقتی سطح سواد افزایش می‌یابد (به‌ویژه در گروه دارندگان مدارک تحصیلی دانشگاهی) از نسبت انجام رفتارهای مذهبی کاسته می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به دو تحقیق مرحوم دکتر اسدی و همکاران در تهران در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۸، اشاره کرد. نتایج این دو پژوهش حاکی از آن بود که با بالا رفتن سطح تحصیلات پاسخگویان از میزان نمازخواندن، روزه گرفتن، نذر و نیاز و پرداخت خمس و زکات کاسته می‌شود (اسدی و همکاران ۱۳۵۹، فصل ششم).

پژوهش دیگری که در سال ۱۳۷۴ در مناطق شهری ایران انجام گرفت حاکی از آن بود که سواد (بالاخص در سطح عالی) با شاخصهای متنوع رفتار مذهبی مثل رفتن به مجالس روضه‌خوانی، شرکت در نماز جماعت مساجد، رفتن به زیارت اماکن مذهبی، نذر کردن و شرکت در جلسات دعا و نیایش ارتباط معکوس دارد (محسنی ۱۳۷۵، فصل یازدهم).

نتایج مربوط به شهر تهران همین پژوهش نیز، که در سال ۱۳۷۷ انتشار یافت، مبین این واقعیت بود که با افزایش سواد (به‌ویژه در سطح دانشگاهی) رفتارهای مذهبی نام برده شده افت محسوسی کرده است (محسنی ۱۳۷۷، فصل سیزدهم).

در خارج کشور نیز فرایند مشابهی مشاهده شده است. به عنوان نمونه در پژوهشی جامع چنین نتیجه‌گیری شده است:

"چنانچه شاخص دینداری، فراوانی انجام فرایض دینی باشد در این صورت گروههای کمتر تحصیل کرده دیندارتر از گروههای بیشتر تحصیل کرده‌اند" (تامین ۱۳۷۳، ص ۱۲۱).

با مشاهده یافته‌های مذکور و با توجه به این واقعیت که در شهرهای بزرگ مثل تهران، روز به روز نسبت تحصیلکردگان دانشگاهی، در میان بزرگسالان، افزوده می‌شود آیا باید در انتظار کاهش محسوسی در تعلقات مذهبی مردم باشیم؟ یا اینکه نتیجه بگیریم که تحصیلات کاملاً به موقعیت افراد بستگی دارد و افراد تحصیل کرده دانشگاهی غالباً به علت موقعیت اجتماعی‌شان از لحاظ انجام رفتارهای مذهبی (نه اعتقادات و جنبه‌های شخصی مذهب)

کمتر فعال می‌باشند؟\*

اگرچه پاسخ به این سؤال‌هایی تواند مبنای ارائه تبیینهای نظری و سازماندهی مطالعات تجربی قرار گیرد ولی در این پژوهش قصد داریم یک گام به جلوتر آمده و با توجه به سطح تحصیلات والدین، دینداری فرزندان نوجوان آنان را مورد ارزیابی قرار دهیم. در واقع با توجه به این فرض که بخش اعظم جامعه‌پذیری مذهبی افراد از طریق خانواده صورت می‌پذیرد، می‌خواهیم مشاهده کنیم که آیا تفاوت تعلقات مذهبی والدین، برحسب تحصیلاتشان، در فرزندان آنان نیز دیده می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا ارتباط معکوس تحصیلات با دینداری بزرگسالان برای فرزندان آنان نیز قابل صدق است؟

بنابراین مسأله تحقیق خود را بر این مبنا قرار دادیم که:

آیا دینداری فرزندان نوجوان خانواده‌های تحصیلکرده دانشگاهی کمتر از فرزندان نوجوان سایر خانواده‌هاست؟ چرا؟

## تبیین نظری

اگر تحصیلات والدین همبستگی منفی با دینداری خودشان و فرزندان نوجوانشان داشته باشد جدا از تفسیرهای نظری احتمالی برای تبیین این ارتباط باید واقعیتی را که حاکم بر کلیه تبیینهای نظری خواهد بود پذیرفت و آن نقش تعیین کننده خانواده‌ها در جامعه‌پذیری مذهبی فرزندانشان، حتی در سنین نوجوانی (که دوره استقلال‌یابی آنان از خانواده‌شان محسوب می‌شود)، است.

افراد، معمولاً اعتقادات، گرایشها و رفتارهای مذهبی را از دیگران و از خلال تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیری فراگرفته‌اند. به نظر می‌رسد در میان سازمانها و کارگزاران جامعه‌پذیری در ایران (مثل خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های جمعی) "خانواده" همچنان عامل اصلی و تعیین‌کننده در اجتماعی‌کردن افراد باشد. همان‌طور که پروفیسور ماسگروو<sup>۱</sup> نیز

\* . تذکر این نکته حائز اهمیت است که در تمامی پژوهشهای مربوط به ایران، پایین ارزیابی‌کردن دینداری دارندگان تحصیلات دانشگاهی به

صورت نسبی و در مقایسه با سایر گروههای تحصیلی کم‌سوادتر و بالاخص بی‌سواد است که معنی‌دار می‌شود وگرنه دینداری مطلق تحصیلکردگان

دانشگاهی غالباً در تمامی شاخصهای رفتار مذهبی بالاتر از حد متوسط نظری و نسبتاً قوی است.

تأکید کرده است ادعاهای مربوط به اینکه مدارس در منش و شخصیت کودکان تأثیر دارند، احتمالاً هم مبالغه‌آمیز است و هم بی‌اساس. به نظری تأثیر مذکور به طور کلی قابل توجه نبوده و تأثیر واقعی، اصیل و پایدار در خانه و خانواده است (موریش ۱۳۷۳، ص ۱۷۷).

محیط خانوادگی عامل قطعی مؤثر در ایجاد شرایط سازنده‌ای است که ارزشها و گرایشهای شخص را شکل می‌دهد. بخش مهمی از این فرایند در درون خانواده به صورت عمدی و آگاهانه انجام می‌پذیرد ولی بخش زیادی از آن نیز کاملاً ناخودآگاه است. الگوهای کنش متقابل اجتماعی درون خانواده ممکن است مدل‌های ناخواسته را برای شکل‌گیری رفتار و شخصیت بعدی کودکان، یعنی زمانی که به بلوغ و دوره نوجوانی می‌رسند، فراهم سازد. به هر حال اگر جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن فرایندی باشد که نسل‌های مختلف یک جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد "خانواده" از عوامل عمده اجتماعی شدن از دوران کودکی تا نوجوانی و پس از آن است که به صورت یک سلسله مراحل پی در پی رشد و تکامل، نسلها را به یکدیگر مربوط می‌سازد (گیدنز ۱۳۷۳، ص ۸۵).

حال پس از این مقدمه کوتاه، ضروری است به تبیین نظری پدیده موردنظر بپردازیم. برای تبیین این موضوع که دینداری فرزندان نوجوان والدین تحصیل کرده دانشگاهی کمتر از فرزندان نوجوان سایر خانواده‌هاست، می‌توان چند تبیین احتمالی ارائه داد.

یک احتمال می‌تواند این باشد که فراگرد تحصیلات، بالاخص در سطوح آموزش عالی، خودبه خود ارزشهای دنیوی و غیردینی را تشویق و ترویج می‌کند. خواه از این جهت که بر این ارزشها در درسهای مختلف دانشگاهی تأکید می‌شود (ماهیت سکولار علوم جدید) و خواه بدین جهت که افراد برخوردار از تحصیلات دانشگاهی بیشتر در معرض محیطی هستند که نسبت یک چنین افرادی در آن بیشتر است. اینکلز و اسمیت براساس مصاحبه‌هایی که با نمونه‌ای مرکب از شش هزار مرد در شش کشور در حال توسعه انجام داده‌اند، متذکر می‌گردند که تحصیلات عالی، گرایشها و ارزشهای این افراد را مدرن‌تر ساخته است (لیپست ۱۳۷۳، ص ۵۱).

نیوکمب نیز نشان داده است قدرت جامعه دانشگاهی در تغییر بینش و گرایش دانشجویان می‌باشد، به نحوی که دانشجویان سال آخر لیبرال‌تر از سال اولی‌ها هستند (کارترایت ۱۳۶۸، ص ۶۰).

براساس این چارچوب نظری که آن را "تبیین گرایشی"<sup>۱</sup> می‌نامیم، والدین تحصیل‌کرده

دانشگاهی به علت سرشت سکولار تحصیلات عالی و نوع خاص جامعه‌پذیری در درون دانشگاه است که به تدریج دینداری‌شان از حیث بینش، گرایش و رفتاری تضعیف شده و فرزندان‌شان را نیز بر این اساس تربیت می‌نمایند.

اما تفسیر احتمالی دیگری هم وجود دارد که آن را "تبیین موقعیتی"<sup>۱</sup> نامیده و مبنای نظری این پژوهش قرار داده‌ایم. مقدمه لازم در این تبیین توجه به این نکته است که در جوامع شهری جدید، "تحصیلات" احتمالاً مهمترین عامل شکل‌دهنده زندگی فرد است، چون معمولاً مدارک تحصیلی محدودیتهایی بر نوع شغل و حرفه‌ای که شخص در آن وارد می‌شود، درآمد و وجهه اجتماعی وی اعمال می‌کند و بر شبکه ارتباطی، که فرد در سرتاسر عمر با آنها روبه روست، تأثیر می‌گذارد. اینکلز و اسمیت براساس پژوهشی که اشاره کردیم چنین نتیجه‌گیری می‌کنند: "در جوامع پیچیده امروزی برای پیش‌بینی گرایشها، ارزشها و رفتار فرد هیچ خصوصیتی قوی‌تر و محکمتر از میزان تحصیلات فرد نیست" (لیپست، همان).

از طرف دیگر اگر همان‌طور که برخی دانشمندان علوم اجتماعی استدلال کرده‌اند که در جوامع شهری جدید "تحصیلات" را شاخص اصلی منزلت و موقعیت اجتماعی محسوب نماییم (اینگلهارت ۱۳۷۳، ص ۳۸۱) طبیعی است که والدین دارای سطوح تحصیلی عالی حداکثر تلاش خود را به خرج دهند تا این که فرزندان‌شان موقعیت اجتماعی آنان را حفظ و تثبیت کنند. در واقع در این نوع خانواده‌ها سعی می‌شود فرایند جامعه‌پذیری به آماده‌سازی فرزندان برای بازگشت به منزلت و موقعیت اجتماعی خانواده خود معطوف شود. برای والدین تحصیل کرده دانشگاهی اهمیت تحصیلات فرزند در جهت از دست ندادن موقعیت اجتماعی است، در حالی که برای سایر والدین، افزایش تحصیلات فرزندان تلاشی است برای ارتقای موقعیت اجتماعی آنان.

براساس این چارچوب نظری، افزایش تحصیلات والدین، بالاخص در سطوح بالای آموزش عالی، "موقعیتی" را برای آنان فراهم می‌آورد که برای حفظ و باز تولید آن مجبورند توجه و صرف وقت بیشتری را به امور تحصیلی فرزندان‌شان اختصاص دهند. والدینی که خوب تحصیل کرده‌اند علاقه دارند که فرزندان آنان نیز مانند خودشان از تعلیم و تربیت خوب بهره‌مند شوند و آماده‌اند که شرایط لازم را برای تحقق موفقیت تحصیلی فرزندان‌شان فراهم آورند.

اگرچه تمامی والدین به پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان اهمیت نسبی می‌دهند اما

علاقه‌مندی والدین و شور و شوق آنها نسبت به موفقیت تحصیلی فرزندانشان را نمی‌توان از کیفیت تحصیلی خود والدین و محیط خانوادگی، که برای فرزندان فراهم می‌کنند، جدا کرد. شکی نیست که آرزوها و گرایشهای والدین به شرطی کردن آمال و گرایشهای فرزندان آنان کمک می‌کند. در خانواده‌های بیشتر تحصیل کرده، معمولاً فرزندان برای ارج نهادن به تحصیلات تربیت می‌شوند و لذا در سلسله مراتب ارزشی خانواده "موفقیت و پیشرفت تحصیلی فرزند" در اولویت قرار می‌گیرد. در این زمینه الگوی عملی والدین از حیث دارا بودن سطوح بالای تحصیلی بیش از هر چیز دیگر در فرزندان مؤثر است. همچنین هر اندازه سطح تحصیلات والدین بالاتر باشد آنان به اهمیت نقشی که در موفقیت تحصیلی فرزندانشان دارند آگاه‌ترند و محیط فرهنگی خانه برای پیشرفت تحصیلی مساعدتر است. اگرچه محیط مادی خانواده مهم است اما در کنار آن محیط فرهنگی (محاورة خانوادگی، روابط اجتماعی، کمک در انجام تکالیف مدرسه، آرزوهای تحصیلی القا شده توسط والدین و...) نیز وجود دارد و مسأله موفقیت تحصیلی فقط به پول منحصر نمی‌گردد و سرمایه مالی اگر موجود باشد به منزله همه چیز نیست. والدین تحصیل کرده دانشگاهی به عنوان یک مسؤولیت اجتماعی تلاش می‌کنند سرمایه تحصیلی را که خود کسب کرده‌اند، برای فرزند خود به ارث بگذارند. لذا توفیق علمی فرزندان به تحصیلات والدین بستگی پیدا می‌کند که بالاترین مدرک تحصیلی ایشان آن را تعیین می‌کند. این یافته‌ها به وضوح نشان دهنده میراث فرهنگی است (سگال ۱۳۷۰، ص ۳۲۵).

از آنجا که والدین تحصیل کرده دانشگاهی به منظور حفظ منزلت و موقعیت اجتماعی خانواده اصرار دارند که فرزندانشان بیشتر درس بخوانند تا مثل خودشان تحصیلات عالی به دست آورند، توجه و تأکید کمتری به انجام مراسم، مناسک و سایر امور مذهبی فرزندانشان نشان می‌دهند. به زبان جامعه‌شناختی در این نوع خانواده‌ها، فشار هنجاری دیگران مهم خانوادگی (والدین) نسبت به انجام مناسک و فرایض مذهبی فرزندان کمتر از سایر خانواده‌هاست و این فشار هنجاری درون خانواده بیشتر معطوف به درس خواندن فرزندان است. از زاویه‌ای دیگر با در نظر گرفتن "خانواده" به عنوان واحد تحلیل می‌توان ادعا کرد که وقتی با افزایش سواد والدین (بالاخص مادر) موقعیت اجتماعی خانواده به طرز معناداری تغییر کند، احتمالاً رویه‌ها و اولویت‌هایشان نیز تغییر می‌کند. در این حالت چون بازتولید موقعیت اجتماعی برای خانواده‌های با تحصیلات عالی دارای اهمیت بیشتری می‌شود، اهمیت مسائل مذهبی برای آنها نسبت به سایر خانواده‌های واجد تحصیلات کمتر یا بدون تحصیلات کاهش می‌یابد. در این زمینه می‌توان گفت که افزایش تحصیلات والدین، منزلت و موقعیت اجتماعی خانواده را

دگرگون می‌کند تا جایی که اولویت قایل شدن و توجه و صرف وقت برای امور تحصیلی و یا مذهبی فرزندان را تغییر می‌دهد به نحوی که اهمیت و اولویت بیشتر را به تحصیلات فرزند می‌دهند.

در مجموع براساس این چارچوب نظری (مدل موقعیتی) می‌توان استنباط کرد که دینداری ضعیفتر فرزندان خانواده‌های تحصیل کرده دانشگاهی، نسبت به سایر خانواده‌ها، بهایی است که این نوع خانواده‌ها برای موفقیت تحصیلی بیشتر فرزندان، برای خاطر بازتولید موقعیت اجتماعی خانواده، می‌پردازند.

از طرف دیگر همان طور که پارسنز مطرح کرده است از لحاظ نقشهای ساختی درون خانواده، جنبه "ابزاری" نقش پدر و جنبه "ابرازی یا اظهاری" نقش مادر بیشتر است. وی اظهار می‌دارد که قلمرو نقش ابزاری پدر با مناسبات نظام خانواده با موقعیت آن در خارج از این نظام سر و کار دارد. نقش مذکور به رفع نیازهای مربوط به انطباق شرایط، حفظ تعادل و به ایجاد مناسبات مطلوب با هدفهای خارجی محیط خانه مربوط می‌شود. از طرف دیگر قلمرو نقش ابرازی یا اظهاری مادر بیشتر با امور داخلی نظام خانواده و با مناسبات درونی اعضای مختلف آن سر و کار دارد. نقش مذکور به تنظیم الگوها و تنشهای اجزای تشکیل دهنده خانواده، یعنی به ارتباطات متقابل، کنترل و توسعه عواطف، مربوط می‌شود (موریش ۱۳۷۳، ص ۱۷۳).

بنابراین جامعه‌پذیری و تربیت فرزندان که بیشتر جنبه عاطفی و حمایتی دارد اغلب تحت تأثیر مادر است که نقش مربی اصلی درون خانواده را به عهده دارد و پدر غالباً نقش نان‌آور خانواده را ایفا می‌کند. براین اساس پیش‌بینی می‌شود که تحصیلات پدر اثر چندانی بر تعلقات مذهبی فرزند ندارد و بیشترین اثر مربوط به تحصیلات مادر است.

حال براساس مباحث نظری مزبور باید به استخراج گزاره‌هایی خاص، که به طور منطقی از نظریه مذکور استنتاج می‌شوند، پردازیم. این گزاره‌ها باید به نحوی استنتاج شوند که اگر نظریه درست باشد آنها نیز درست باشند. از مباحث نظری اشاره شده به طور منطقی قضایایی را به صورت فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر استنتاج و تدوین کردیم:

### فرضیه‌ها

۱. دینداری فرزندان نوجوان خانواده‌های تحصیل‌کرده دانشگاهی کمتر از فرزندان نوجوان سایر خانواده‌هاست.

۲. دینداری فرزندان نوجوان بیشتر تحت تأثیر تحصیلات مادر است تا پدر.
۳. موفقیت تحصیلی فرزندان نوجوان خانواده‌های تحصیلکرده دانشگاهی از دیگران بیشتر است.
۴. فشار هنجاری مذهبی که والدین بر فرزندان نوجوان اعمال می‌کنند در خانواده‌های تحصیلکرده دانشگاهی متفاوت از سایر خانواده‌هاست.

## تصریح و تعریف متغیرها

### الف. دینداری<sup>۱</sup>

اگرچه محققان علوم اجتماعی جامعه شناخته شده‌ای را سراغ ندارند که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد و در همه فرهنگها، اعتقادات و اعمال مذهبی یافت شده است (گیدنز، ۱۳۷۳، صص ۴۱۱ و ۵۱۴) با این حال خود مفهوم دین در علوم اجتماعی فاقد یک تعریف قطعی متفق علیه است. شاید اساسی‌ترین علت آن، این باشد که پدیده‌های همبسته‌ای که این مفهوم بدانها اشاره دارد طیف بسیار گسترده و متنوعی را دربرمی‌گیرد.

به هر حال تلقیهای رایج در مورد دین گاهی به نحو پیشینی و بر مبنای تأملات شخصی و با ملاحظات و معیارهای درون دینی یک مذهب خاص حاصل شده و گاهی به نحو پسینی و بر مبنای ملاحظات و اطلاعات انسان شناسی یا جامعه‌شناسی و امثال آن پدید آمده است. این تلقیها بسیار متنوع‌اند اما می‌توان در میان آنها نوعی "شباهت خانوادگی" ملاحظه کرد. بر این مبنای می‌توان "دین" را به نحو بسیار کلی مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و عواطف (فردی - جمعی) دانست که حول تجربه حقیقت غایی یا امر قدسی و متعالی سامان یافته است. این حقیقت غایی را می‌توان بر حسب تفاوت ادیان و مذاهب به صورت واحد یا متکثر، مشخص یا غیر مشخص، الهی یا غیرالهی دانست. مطابق این تلقی عام، "دین" پدیده پیچیده‌ای است که دست کم واجد سه جزء اساسی است:

۱. "تجربه دینی" به منزله نوعی وضعیت وجودی خاص که انسان در مواجهه با امر قدسی پیدا می‌کند.



۲. "اعتقادهای دینی" که ناظر به تجربه دینی است.

۳. "عمل دینی" که مسبوق به اعتقادهای دینی و معطوف به حصول تجربه دینی است. در واقع عمل دینی به منزله انجام فعلی خاص است که فرد دیندار انجام می دهد (نراقی ۱۳۷۵، ص ۳۳).

چارلز گلاک با مشاهده این موضوع که مطالعات مربوط به دین به نتایج متناقض منتهی می شود و هر محقق به سلیقه خودش دین را تعریف می کند، به این فکر افتاد که مفهوم دقیق و باریک بینانه‌ای از دین ارائه دهد. برای این منظور از مطالعات محققان دیگر، جنبه‌های متفاوت دین را، که می توان مدنظر قرارداد، دستچین کرد. وی برای دینداری پنج بُعد متمایز را مشخص کرد:

۱. "بُعد تجربی دین" ناظر بر تجربه‌های معنوی زندگی که برای اشخاصی که به آن نائل

می شوند این احساس ایجاد می شود که با خداوند یا یک امر متعالی در ارتباط هستند.

۲. "بُعد ایدئولوژیک دین" که ناظر بر اعتقاد به واقعیت الوهیت (خداوند) و پیوسته‌های آن (فرشتگان، بهشت، جهنم و ...) است.

۳. "بُعد مناسکی" بر اعمالی که در چارچوب زندگی دینی انجام داده می شود ناظر است (مثل نماز، روزه، زیارت و امثال آن).

۴. "بُعد عقلانی" که ناظر بر شناخت اصول متون مقدس ادیان است.

۵. "بُعد پیامدی" یعنی همان تبعات تجربه‌ها، اعمال و اعتقادهای دینی افراد در زمینه‌های مختلف زندگی (ویلیم ۱۳۷۷، ص ۸۱).

مرحوم علامه محمدتقی جعفری این تقسیم‌بندی درباره جنبه‌های مختلف دینداری را یکی از عالیترین تقسیم‌بندی‌هایی می داند که در این زمینه انجام شده است (همان). برخی دانشمندان و محققان متأخرتر بر پایه ماتریس همبستگی پرسشهای مختلفی که در زمینه دین انجام شده است، چهار بُعد را برای دینداری یا مذهبی بودن در نظر گرفته‌اند که این چهار بُعد عبارت‌اند از: حضور در کلیسا (بُعد مناسکی)؛ اعتقادهای مذهبی؛ الهام یا شهود مذهبی (بُعد تجربه دینی) و تعهد مذهبی یا اهمیت مذهب در زندگی (دواس ۱۳۷۶، ص ۳۰۰). اینگلهارت با ارائه شواهد تجربی متعدد به استفاده رایج محققان از معرّف میزان حضور در کلیسا، به عنوان شاخص باورها و گرایشهای دینی انتقاد می کند. وی معرّف حضور در کلیسا را فقط یک شاخص تقریبی از اعتقادهای مذهبی می داند و معتقد است که دینداری را نباید معادل انجام رفتارها و مناسک مذهبی دانست، چون براین اساس تصویری نسبتاً گمراه کننده و خام از

دینداری مردم به دست خواهیم آورد. در این زمینه وی اظهار می‌دارد که اگرچه این آمارها به منزله شاخص تقریبی روندها در تغییر ایمان مذهبی بهتر از هیچ است، اما آنها مسلماً جانشین سنجشهای مستقیم اعتقادهانیستند (اینگلهارت ۱۳۷۳، ص ۲۱۰). به نظر اینگلهارت "اعتقاد به خداوند" و "تعهد مذهبی" به معنای میزان اهمیت دین نزد افراد و پنداشت فرد از دینداری خود، شاخص بسیار حساس بُعد دینداری در زندگی فرد است (همان، صص ۲۰۷ و ۲۱۱ و ۲۱۸).

برخی جامعه‌شناسان، دینداری یا وابستگی به مذهب را دارای حداقل دو بُعد "اجرای فرایض مذهبی" و "اعتقادهای مذهبی" دانسته‌اند. اجرای فرایض مذهبی مثل نماز، روزه و مناسک گوناگون به وسیله مشاهدات عملی آشکار خواهد شد. اعتقادهای مذهبی از طریق پاسخ به سؤالاتی مکشوف خواهد شد (رونژر ۱۳۶۴، ص ۶۰).

کمال المنوفی در پژوهش تجربی خود تحت عنوان "اسلام و توسعه" دینداری را واجد دو بُعد متمایز دانسته است که عبارت‌اند از "شناخت دینی" و "رفتار دینی". ایشان از میان معرفت‌های بُعد رفتاری دین (بُعد مناسکی) تنها نماز را کافی می‌داند بدین جهت که نماز در دین اسلام به عنوان ستون دین به حساب می‌آید (کمال المنوفی ۱۳۷۵، ص ۲۰).

در این تحقیق با توجه به مدنظر قراردادن دین الهی اسلام می‌توان اظهار کرد که "دین" لااقل دو بخش مهم و اساسی دارد. یک بخش "اعتقادهای دینی" است که ضروری دینداری بوده و بخش دیگر "اعمال و رفتارهای مذهبی" است (مصباح یزدی، کتاب نقد، شماره ۶ - ۵).

از طرف دیگر چون بُعد "تعهد مذهبی" که مشتمل بر شاخصهای "اهمیت ذهنی دین نزد افراد" و "احساس مذهبی بودن" است در تحقیقات بین‌المللی و جهانی، به عنوان یکی از حساسترین شاخصهای تعلقات دینی در نظر گرفته شده و این بُعد نیز مدنظر قرار گرفت (اینگلهارت ۱۳۷۳، ص ۲۱۰؛ دواس ۱۳۷۶، ص ۳۰۰).

#### ۱. بُعد عقیدتی دین (اعتقادهای دینی)

از پاسخگویان پرسیده شد که به خداوند، زندگی پس از مرگ، بهشت و جهنم اعتقاد دارند یا خیر؟ از ترکیب سه سؤال فوق، مقیاس بُعد عقیدتی دین ساخته شد که با توجه به نظام نمره گذاری صفر تا ۲ برای هرگویه دامنه نمره‌های این مقیاس از حداقل نمره صفر (عدم اعتقاد به دین) تا حداکثر ۶ (اعتقاد کامل به دین) در نوسان بود. مقدار ضریب اعتبار آلفای کرونباخ مقیاس سه گویه‌ای بُعد عقیدتی دین در پژوهش نهایی معادل ۰/۸۴ یعنی در حد بسیار بالا محاسبه گردید.

## ۲. بُعد مناسکی (رفتاری) دین

از میان کلیه معرفّهای بُعد رفتاری دین (مثل نماز، روزه، دعا، زیارت و ...) "نماز"، به دلیل اهمیت بسیاری که در دین اسلام و در میان مسلمانان دارد، انتخاب گردید. قابل توجه است که کلود سوکلیف در پژوهش خود برای اندازه‌گیری دینداری یک مسلمان تنها نماز را اصل قرار داده است (کمال المنوفی، همان، ص ۱۹).

اگرچه اجرای فرایض مذهبی و تقید به آن به وسیله مشاهدات عملی آشکار خواهد شد، ولی برخی محققان و عالمان اجتماعی استدلال کرده‌اند که در گروه سنی نوجوانان (۱۳ تا ۱۸ سال) می‌توان به جای مرجع قراردادن مستقیم فرایض دینی و مشاهده انجام آن، به گرایش<sup>۱</sup> فرد نسبت به آن فریضه یا بُعد خاص رفتاری دین اکتفا کرد (کیوی و کامپنهود ۱۳۷۰، ص ۱۵۸).

در این پژوهش نیز به علت ساختار سنی جمعیت تحقیق، شیوه گرایش‌سنجی به کار برده شد و میزان گرایش نسبت به نماز نوجوانان مورد سنجش قرار گرفت. مقیاس سنجش گرایش نسبت به نماز شامل چندین گویه مختلف بود که این مقیاس پس از اجرای مقدماتی بر روی ۱۱۵ نفر پاسخگو که احتمال داده می‌شد شبیه به پاسخگویان نهایی بوده ولی جزو نمونه تحقیق قرار نگرفته بودند و انجام تحلیل عبارات<sup>۲</sup> براساس دو وجه تک‌بُعدی بودن<sup>۳</sup> و اعتبار<sup>۴</sup> پالایش شد و در نهایت به ۱۶ گویه تقلیل یافت.

مقیاس گرایش نسبت به نماز شامل پاسخهای سه گزینه‌ای که دامنه نمره‌های پاسخگو برای هر گویه بین صفر تا ۲ و در مقیاس کل که حاصل جمع ۱۶ گویه است بین صفر تا ۳۲ در نوسان بود.

مقدار ضریب اعتبار آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش نهایی معادل ۰/۸۵ یعنی در حد بسیار بالا برآورد گردید.

## ۳. تعهد مذهبی یا اهمیت دین در زندگی فرد

در این مورد به پیروی از نحوه سنجش این متغیر در پژوهشهای جهانی از دو پرسش زیر

1 . Attitude

2 . Items Analysis

3 . Unidimensionality

4 . Reliability

استفاده شده است.\*

“خداوند چقدر در زندگی تان اهمیت دارد؟”

“قطع نظر از عقیده دیگران به طور کلی تا چه حد خود را فردی مذهبی می‌پندارید؟”  
برای هر یک از این دو پرسش از پاسخگویان خواسته شد جواب خود را روی یک مقیاس پانزده درجه‌ای ترتیبی (۱ تا ۱۵) مشخص کنند.

### آماده‌سازی متغیر دینداری

متغیر دینداری از ترکیب سه خرده مقیاس بُعد عقیدتی دین (سه گویه)، بُعد مناسکی دین (شانزده گویه) و تعهد مذهبی (دو گویه) به دست آمد. چون گویه‌های هر خرده مقیاس واجد نظام نمره‌گذاری متفاوتی بوده لذا برای تعیین میزان اعتبار مقیاس دینداری از ضریب اعتبار استاندارد شده آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار محاسبه شده ضریب استاندارد شده آلفای کرونباخ برای ۲۱ گویه مقیاس دینداری بر روی گروه پاسخگویان نهایی تحقیق به میزان ۰/۸۹ یعنی بسیار بالا برآورد گردید.

با این حال تشکیل این مقیاس برای آزمون فرضیه‌ها بایستی به گونه‌ای تعدیل می‌شد که نمره‌ها یا تعداد طبقات یک خرده مقیاس موجب اریب کل مقیاس دینداری نگردد. همچنین بایستی هر خرده مقیاس را به گونه‌ای می‌ساختیم که حد بالا و پایین همه آنها یکسان باشد تا نمره‌های هر سه بُعد دینداری به سادگی قابل مقایسه شوند. لذا از آنجا که تعداد گویه‌ها و دامنه نمره‌های سه خرده مقیاس مربوط به ابعاد دینداری یکسان نبود، وزن نابرابر هر خرده مقیاس را در مقیاس کل (که همان مقیاس دینداری است) برابر نمودیم. دامنه نمره‌های بُعد عقیدتی دین از صفر تا ۶، بُعد مناسکی دین از صفر تا ۳۲ و بُعد تعهد مذهبی از ۲ تا ۳۰ بود. لذا برای مقایسه پذیر کردن نمره‌های این سه خرده مقیاس به وسیله فرمولی آنها را به گونه‌ای جرح و تعدیل کردیم که دامنه نمره‌های هر خرده مقیاس از صفر (کمترین مقدار دینداری) تا ۱۰ (بالاترین مقدار دینداری) درنوسان باشد (دواس ۱۳۷۶، ص ۲۶۷).

در نتیجه اعمال این فرمول، سه خرده مقیاس از صفر تا ۱۰ به دست آمد و مقیاس نهایی دینداری نیز که از ترکیب این سه خرده مقیاس به دست آمد واجد دامنه نمره‌ای از صفر تا ۳۰ گردید.

### ب. موفقیت تحصیلی

برای سنجش موفقیت تحصیلی نوجوانان پاسخگو، از معدل درسی آنان در دبیرستان استفاده شده است.

### ج. فشار هنجاری مذهبی والدین

نوجوانان معمولاً به دو گروه اجتماعی عمده یعنی "خانواده" و "دوستان و همالان" تعلق دارند و آنها را به عنوان گروه مرجع مثبت می‌پذیرند. این گروه‌های مرجع غالباً نظامی از مقیاسهای ارزشی و هنجاری تولید می‌کنند که اعضای گروه به دلایل مختلف، از جمله فشار هنجاری و همنوایی، خود را موظف به پذیرش و پیروی از آن می‌دانند.

در این گروه‌های اجتماعی غالباً "والدین" و "دوستان نزدیک" تأثیر عمده‌ای بر روی گرایشها و رفتارهای نوجوانان می‌گذارند و معمولاً جزو دیگران مهم<sup>۱</sup> نوجوان محسوب می‌شوند.

در واقع چون "دیگران مهم" به شخص یا اشخاصی اطلاق می‌شود که فرد بیشتر وقتش را با آنها می‌گذراند و در رفتارش بیشتر آنان را در نظر دارد، والدین و دوستان نزدیک نوجوان اغلب این نقش را به عهده دارند.

از طرف دیگر چون در دین اسلام، "نماز" مهمترین بُعد مناسکی دین و در میان خانواده‌های مسلمان ایرانی نیز معمولاً نماز خواندن به عنوان اولین و مهمترین بُعد ایمان و تقید مذهبی محسوب می‌شود، لذا این متغیر را معطوف به نماز کردیم و آن را به نحوی تعریف نمودیم که منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی دیگران مهم خانوادگی (والدین)، به صورتی که شخص نوجوان آن را برای انجام دادن نماز احساس می‌کند، باشد.

بنابراین از پاسخگویان نوجوان تحقیق، سؤال شد:

"کدام یک از افراد زیر بیشتر تأکید دارند که شما باید نماز بخوانید؟"

پاسخها شامل شش طبقه بود. پدر (کُد ۱)، مادر (کُد ۲)، دوستان نزدیک (کُد ۳)، پدر و مادر (کُد ۴)، همگی (کُد ۵) و هیچ کدام (کُد ۶).

### د. تحصیلات والدین

برای سنجش تحصیلات والدین از نوجوانان جمعیت نمونه تحقیق خواسته شد که میزان تحصیلات پدر و مادر خود را روی طیفی که از بی سواد تا دکترا مدرج شده بود، علامت گذاری نمایند.

البته با توجه به فرضیه‌های پژوهش و لزوم مقایسه گروه والدین با سطح سواد دانشگاهی با سایر سطوح تحصیلی، در نهایت تحصیلات پدر و مادر به شکل رتبه‌ای تبدیل و به سه گروه زیردیپلم، دیپلم و تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم تا دکترا) تقسیم شد. ولی این شکل متغیر، مشخص کننده تحصیلات هر یک از والدین به تفکیک و جداگانه بود و نشان دهنده متغیر "تحصیلات والدین" نیست. لذا شاخص "تحصیلات والدین" از ترکیب آمیزه‌های متنوع تحصیل پدر با تحصیل مادر ساخته شد. چون تحصیلات پدر و مادر هر یک واجد سه مقوله زیردیپلم، دیپلم و سواد دانشگاهی بود، متغیر تحصیلات والدین با ۹ حالت زیر ساخته شد.

مادر زیردیپلم و پدر زیردیپلم (کُد ۱)، مادر زیردیپلم و پدر دیپلم (کُد ۲)، مادر زیردیپلم و پدر تحصیلات دانشگاهی (کُد ۳)، مادر دیپلم و پدر زیردیپلم (کُد ۴)، مادر دیپلم و پدر دیپلم (کُد ۵)، مادر دیپلم و پدر تحصیلات دانشگاهی (کُد ۶)، مادر تحصیلات دانشگاهی و پدر زیردیپلم (کُد ۷)، مادر تحصیلات دانشگاهی و پدر دیپلم (کُد ۸)، مادر تحصیلات دانشگاهی و پدر تحصیلات دانشگاهی (کُد ۹).

وقتی این متغیر ۹ مقوله‌ای با دستور کامپیوتری ساخته شد، مشاهده گردید که تحصیلات والدین از نوع "مادر تحصیلات دانشگاهی و پدر زیردیپلم" (کُد ۷) فاقد فراوانی بود و لذا متغیر "تحصیلات والدین" در نهایت هشت مقوله‌ای شد.

## روش و داده‌ها

تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر که در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ در پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستانهای روزانه دولتی، نمونه‌مردمی و غیرانتفاعی منطقه ۵ تهران مشغول به تحصیل بودند (۲۹۹۷۷ نفر) جامعه‌آماري پژوهش را تشکیل می‌دادند. تعداد نمونه با استفاده از فرمول پیش‌برآورد حجم نمونه معادل ۳۸۵ نفر محاسبه گردید ولی به علت استفاده از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای (برحسب مقولاتی مثل جنس، نوع مدرسه، پایه تحصیلی و رشته تحصیلی) که جمعیت تحقیق را واجد ۳۷ طبقه ناهمپوش کرده بود، این تعداد نمونه به هیچ وجه کافی به نظر نمی‌رسید چون در برخی طبقات زیرگروه‌های حجم نمونه بسیار کوچک می‌شد. براین اساس حجم نمونه به طور متناسب در هر طبقه به اندازه‌ای افزایش یافت که هیچ طبقه یا زیرگروهی کمتر از ده نفر نباشد. به همین دلیل در نهایت حجم نمونه تحقیق به ۷۳۳ نفر افزایش یافت.

"داده‌ها" طی پژوهش پیمایشی از طریق پرسشنامه در اوایل سال ۱۳۷۷ جمع‌آوری گردید. واحد تحلیل این پژوهش "فرد"، سطح تحلیل "خانواده" و دامنه سنی جمعیت نمونه تحقیق بین سنین ۱۴ تا ۱۸ سال در نوسان بود. داده‌ها جدا از آماره‌های توصیفی (مثل نما، میانگین و انحراف معیار) براساس فنون آماری تحلیل واریانس، آزمون پس از تجربه شفه و رگرسیون چندمتغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

کلیه مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله بسته نرم‌افزار رایانه‌ای آمار در علوم اجتماعی (SPSS) صورت گرفت.

## یافته‌های تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر این بود که، آیا تفاوت دینداری فرزندان نوجوان خانواده‌هایی که والدین آنها سطوح تحصیلی متفاوتی دارند براساس چارچوب نظری ارائه شده (مدل موقعیتی) قابل تبیین است یا خیر؟ گام اول در این راه تعیین حد تفاوت دینداری نوجوانان جمعیت تحقیق در سطوح مختلف تحصیلی والدینشان است. قبل از آن چون در هر پژوهشی معمولاً اولین مرحله پیدا کردن تصویری از شاخصهای توصیفی متغیر وابسته تحقیق است،

جدول آماره‌های توصیفی شاخصهای دینداری ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱. آماره‌های توصیفی شاخصهای دینداری نوجوانان پاسخگو ( $n=733$ )

مقیاسها	تعداد سؤالاها	دامنه نمره‌ها	میانگین نظری	میانگین مشاهده شده	انحراف معیار
بُعد عقیدتی دین	۳	۰-۶	۳	۵/۵۴	۱/۱
بُعد مناسکی دین	۱۶	۰-۳۲	۱۶	۲۵/۸۵	۵/۶
بُعد تعهد مذهبی	۲	۲-۳۰	۱۶	۲۱/۹۸	۴/۲۶
دینداری*	۲۱	۰-۳۰	۱۵	۲۳/۷۸	۴/۱۸

\* مقیاس دینداری از ترکیب سه خرده مقیاس بُعد عقیدتی دین، بُعد مناسکی دین و بُعد تعهد مذهبی پس از تعدیل آنها به نحوی که دامنه نمره‌های هر یک از صفر تا ۱۰ در نوسان باشد، ساخته شده است.

نتایج مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد که میزان تعلقات مذهبی نوجوانان مورد بررسی در تمامی ابعاد دینداری بسیار بالاتر از متوسط نظری مقیاس مورد نظر یعنی در حد زیاد است. میانگین مشاهده شده دینداری پاسخگویان بیش از دو انحراف معیار بالاتر از میانگین نظری مقیاس (۱۵) محاسبه شده (۲۳/۷۸ در مقابل ۲۳/۳۶) که نمایانگر دینداری قوی نوجوانان جمعیت تحقیق است.

جهت تشخیص اثر واقعی تحصیلات پدر و مادر بر شاخصهای مختلف دینداری از آزمون تحلیل واریانس یک راه استفاده شد.



جدول شماره ۲. تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میانگین متغیرهای تعلقات مذهبی پاسخگویان

براساس تحصیلات پدر و مادر

متغیرها	مقوله‌ها	میانگین بعد مناسکی دین	F	میانگین بعد عقیدتی دین	F	میانگین بعد تعهد مذهبی	F	میانگین دینداری	F
تحصیلات	زیر دیپلم (۳۰۳ نفر)	۲۷/۲ (۴/۶)	۲۸/۴	۵/۶ (۰/۹۶)	۷/۸	۲۲/۳ (۴/۰۲)	۷/۱	۲۴/۵ (۳/۶)	۲۰/۷
	دیپلم (۳۲۷ نفر)	۲۵/۶ (۵/۳)		۵/۵ (۱/۰۵)		۲۲/۱ (۳/۹)		۲۳/۸ (۳/۸)	
مادر	سواد دانشگاهی (۱۰۳ نفر)	۲۲/۶ (۷/۶)	۲۷/۲۷	۵/۱ (۱/۵)	۵/۱۵	۲۰/۵ (۵/۴)	۵/۱۴	۲۱/۵ (۵/۹)	۰/۲۳
	زیر دیپلم (۲۳۹ نفر)	۲۷/۱ (۴/۶)		۵/۷ (۰/۸۸)		۲۲/۴ (۳/۸)		۲/۰۲	
پدر	دیپلم (۲۲۶ نفر)	۲۶/۱ (۵/۲)	۱۳/۹۸	۵/۵ (۰/۹۹)	۵/۹	۲۱/۹ (۴/۳)	۵/۱۳	۲۳/۹ (۳/۹)	۰/۰۰۰
	سواد دانشگاهی (۲۶۸ نفر)	۲۴/۵ (۶/۵)		۵/۳ (۱/۳)		۲۱/۶ (۴/۶)		۲/۰۲	

\* انحراف معیار در زیر میانگین و داخل پرانتز آمده است.

از مقایسه ارقام جدول شماره ۲ چنین استنباط می شود که در تمامی شاخصهای دینداری، کمینه مقدار میانگین مربوط به نوجوانانی است که پدر و مادرشان واجد تحصیلات دانشگاهی اند. در مقابل بیشینه مقدار میانگین در کلیه شاخصهای دینداری مربوط به پدر و مادرانی است که تحصیلات زیر دیپلم دارند. نتایج آزمون  $F$  و سطوح بالای معناداری آن نیز نشان می دهد که تحصیلات پدر و مادر بر هر سه بُعد دینداری (به جز حالت اثر تحصیلات پدر بر تعهد مذهبی فرزند) و شاخص کل دینداری نوجوانان جمعیت تحقیق اثر واقعی دارد. بنابراین تفاوت دینداری نوجوانان برحسب سطوح تحصیلی پدر و مادرشان کاملاً معنادار بوده به نحوی که بیشترین مقدار دینداری نوجوانان مربوط به اولیایی بوده که سواد زیر دیپلم داشته و کمترین مقدار دینداری متعلق به نوجوانانی است که اولیاءشان سواد دانشگاهی داشته اند.

معنادار بودن  $F$  شاهدهی بر این مطلب است که دست کم بین میانگین دو گروه نمونه تفاوت وجود دارد. البته در این مرحله از تحلیل مطمئن هستیم که بزرگترین میانگین (گروه تحصیلات زیر دیپلم) از کوچکترین آنها (گروه تحصیلات دانشگاهی) تفاوت دارد، اما این امر نیز کاملاً محتمل است که بین گروهی که والدین آنها تحصیلات دیپلم دارند با دو گروه دیگر تفاوت معناداری وجود داشته باشد. برای تشخیص این موضوع باید کلیه میانگین ها به صورت دو به دو مورد مقایسه قرار گیرند.

به منظور ارزشیابی مقایسه ای میانگین ها برای تعیین علت معنادار بودن  $F$  باید به یکی از روشهای مقایسه چندگانه میانگین ها متوسل شد. از میان شیوه های مختلفی که برای آزمون معنادار بودن مقایسه های پس از تجربه توصیه شده است استفاده از روش شفه<sup>۱</sup> به سبب دارا بودن مزایای سادگی، کاربرد در گروه های نمونه با حجم نابرابر، مناسب بودن آزمون برای هر نوع مقایسه با ترکیبهای مختلف از میانگین ها و عدم حساسیت نسبت به انحراف از مفروضه های نرمال بودن و همگونی واریانس، عمومیت بیشتری دارد (هومن ۱۳۷۰، ص ۳۸۰).

نتایج حاصل از آزمون شفه برای مقایسه تبعی و پس از تجربه میانگین شاخصهای مختلف دینداری سه گروه نوجوانان مورد بررسی، برحسب تحصیلات پدر و مادرشان در جدول صفحه بعد منعکس شده است:

جدول شماره ۳. نتایج آزمون شفه برای آزمون معنادار بودن میانگین‌های دینداری نوجوانان در سه گروه مختلف بر حسب تحصیلات والدین

متغیر	مقوله‌ها	بُعد مناسکی دین	بُعد عقیدتی دین	بُعد تعهد مذهبی	دینداری
تحصیلات	زیردیپلم (۱ کد)	تفاوت معنادار بین گروه ۱ با ۲	تفاوت معنادار بین گروه ۱ با ۳	تفاوت معنادار بین گروه ۱ با ۳	تفاوت معنادار بین گروه ۱ با ۳
	دیپلم (۲ کد)	گروه ۱ با ۳	گروه ۱ با ۳	گروه ۱ با ۳	گروه ۱ با ۳
	سواددانشگاهی (۳ کد)	گروه ۲ با ۳	گروه ۲ با ۳	گروه ۲ با ۳	گروه ۲ با ۳
تحصیلات	زیردیپلم (۱ کد)	تفاوت معنادار بین گروه ۱ با ۳	تفاوت معنادار بین گروه ۱ با ۳	چون F معنادار نبود	تفاوت معنادار بین گروه ۱ با ۳
	دیپلم (۲ کد)	گروه ۱ با ۳	گروه ۱ با ۳	آزمون شفه انجام نگرفت.	گروه ۱ با ۳
	سواددانشگاهی (۳ کد)	گروه ۲ با ۳	گروه ۲ با ۳		گروه ۲ با ۳

یافته‌های حاصل از آزمون مقایسه میانگین‌های چندگانه شفه جهت تعیین سطوح اصلی تفاوت‌های معنادار تحصیلات هر یک از والدین در مقیاسهای مختلف دینداری فرزندان نوجوانشان، مبین آن است که در تمامی شاخصها، گروهی که مادرشان تحصیلات دانشگاهی داشته با دو گروه دیگر نامتشابه‌اند. تنها در بُعد مناسکی دین است که تمام مقایسه‌های پس از تجربه دو به دو بین میانگین‌های مذکور (بر اساس تحصیلات مادر) از لحاظ آماری معنادار بوده لذا می‌توان به احتمال زیاد گفت که سطح دینداری مناسکی نوجوانان جمعیت تحقیق که مادرشان تحصیلات دانشگاهی داشته نسبت به نوجوانانی که مادرشان تحصیلات غیردانشگاهی (دیپلم و زیردیپلم) دارد کمتر است.

نتایج مربوط به تحصیلات پدر نشان می‌دهد که تفاوت اصلی دینداری نوجوانان بین دو گروهی است که پدران آنها تحصیلات دانشگاهی و تحصیلات زیردیپلم داشته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که معناداری آزمون F مبنی بر ارتباط واقعی میان دو متغیر تحصیلات والدین و دینداری نوجوانان مربوط به اختلاف دو گروه نوجوانانی که پدر و مادرشان تحصیلات زیردیپلم و دیپلم دارند نیست، بلکه تفاوت عمده مربوط به گروهی از نوجوانان است که پدر و مادرشان تحصیلات دانشگاهی داشته و در تمامی شاخصهای دینداری، این گروه کمترین مقدار متوسط (میانگین) را به دست آورده است.

در خصوص آزمون فرضیه ۲ مبنی بر اثر بیشتر تحصیلات مادر (نسبت به تحصیلات پدر) بر دینداری فرزندان می‌توان به نسبت‌های همبستگی اِتا (ETA) که در جدول شماره ۲ منعکس شده مراجعه کرد. این نسبت‌های همبستگی که مقدار و شدت رابطه متغیرهای تحصیلات مادر و پدر را با شاخصهای مختلف دینداری نوجوانان برآورد می‌کند، همگی دلالت دارند که در هر سه بُعد مناسبی دین، عقیدتی دین، تعهد مذهبی و همین طور در میزان دینداری نوجوانان مورد بررسی، تحصیلات مادر نسبت به تحصیلات پدر اثر بیشتری دارد. چون در همه شاخصها مقدار اِتای محاسبه شده مربوط به تحصیلات مادر بیش از تحصیلات پدر است.

برای درک بهتر چگونگی ارتباط تحصیلات مادر و پدر بر دینداری نوجوانان و تعیین سهم هر یک، ابتدا متغیر تحصیلات هر یک از والدین، که بدواً برحسب مدرک تحصیلی سنجیده شد، براساس برآورد متوسط سالهای تحصیلی لازم برای اخذ مدرک تحصیلی خاص کدگذاری مجدد شد، تا متغیری تقریباً فاصله‌ای تشکیل شود (دواس ۱۳۷۶، ص ۳۰۳). سپس این دو متغیر (تحصیلات پدر و مادر) وارد تحلیل رگرسیون با متغیر دینداری شد تا سهم هر یک در توضیح دینداری نوجوانان به تفکیک روشن شود.

جدول شماره ۴. ضرایب همبستگی ساده، نیمه تفکیکی، تفکیکی و ضرایب خام و استاندارد رگرسیون

تحصیلات والدین با دینداری نوجوانان

متغیر	b	Beta	Correl	Part Cor	Partial	T	SigT
تحصیلات پدر	-۰/۱۸	-۰/۰۶	-۰/۱۷	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۱/۴	۰/۱۶
تحصیلات مادر	-۰/۶۰۳	-۰/۱۵	-۰/۱۹	-۰/۱۲	-۰/۱۲	-۳/۴	۰/۰۰۱
	(مقدار ثابت)			۲۶/۸		۴۸/۴	۰/۰۰۰۰

همان طور که در این جدول ملاحظه می‌شود علامت تمامی ضرایب رگرسیونی و همبستگی محاسبه شده، منفی است که نشان می‌دهد تحصیلات مادر و پدر ارتباط معکوسی با دینداری فرزندان نوجوانشان دارد. یعنی بالاتر رفتن سواد مادر و پدر با کاهش دینداری فرزندان نوجوانشان قرین است و به عکس هرچه سواد مادر و پدر کمتر، دینداری فرزندان نوجوان بیشتر. با مقایسه ارقام جدول شماره ۴ چنین استنباط می‌شود که وقتی اثر متغیر "تحصیلات مادر خانواده" از ارتباط میان "تحصیلات پدر با دینداری" فرزند حذف شود<sup>۱</sup> و همچنین وقتی اثر این متغیر صرفاً از روی تحصیلات پدر حذف شود و تنها سهم خالص تحصیلات پدر بر دینداری فرزند محاسبه شود<sup>۲</sup> در هر دو صورت مقدار ارتباط شده که معادل  $0/17-$  بوده به مقدار  $0/05-$  یعنی نزدیک به صفر تقلیل می‌یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اثر اصلی در همبستگی چندگانه مشاهده شده ( $0/17-$ ) از آن متغیر تحصیلات مادر بوده است.

با مقایسه ضرایب استاندارد رگرسیونی بتا<sup>۳</sup> نیز مشخص می‌گردد که اثر تحصیلات مادر برای توضیح و پیش‌بینی دینداری نوجوانان تحقیق (بتا =  $0/15-$ ) بیش از دو برابر سهم تحصیلات پدر (بتا =  $0/06-$ ) است. مقدار T محاسبه شده و سطح معناداری متناظر آن نیز نشان می‌دهد که ضریب رگرسیونی مربوط به تحصیلات مادر در سطح بالای آماری معنادار است ( $P=0/001$ ) در صورتی که ضریب مربوط به تحصیلات پدر در سطح قابل قبول آماری ( $P<0/05$ ) قرار نگرفته لذا مشارکت این متغیر به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد ( $P=0/16$ ) و با توجه به حجم زیاد نمونه تحقیق (۷۳۳ نفر) فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط واقعی تحصیلات پدر با دینداری نوجوانان (وقتی تحصیلات مادر در نظر گرفته شود) تأیید می‌گردد. تمامی این یافته‌ها، مؤید فرضیه دوم تحقیق است.

داده‌های مربوط به آزمون فرضیه‌های ۳ و ۴، که در بردارنده شاخصهای دینداری، موفقیت تحصیلی و فشار هنجاری «دیگران مهم» بوده در جدول شماره ۵ منعکس شده است. لازم به توضیح است که چون متغیر فشار هنجاری «دیگران مهم» متغیری اسمی است از شاخص گرایش به مرکز "نما"<sup>۴</sup> استفاده شده که مبین بیشترین فراوانی پاسخها در هر یک از مقوله‌های این متغیر بوده است.

1 . Partial

2 . Part Correl

3 . Beta

4 . Mode

جدول شماره ۵. نتایج تحلیل واریانس و آزمون شفه در متغیرهای دینداری و معدل درسی بر اساس اثر اصلی تحصیلات والدین\*

کد گروه	تحصیلات مادر - پدر	میانگین بُعد مناسکی دین	میانگین بُعد عقیدتی دین	میانگین بُعد تعهد مذهبی	میانگین دینداری	معدل درسی	کدام یک از افراد زیر بیشتر تأکید دارند که شما باید نماز بخوانید؟ (نما Mode)
۱	زیردیپلم - زیردیپلم (۲۰۹ نفر)	۲۷/۲ (۴/۶)	۵/۷ (۰/۹۲)	۲۲/۵ (۳/۸)	۲۴/۷ (۳/۴)	۱۴/۴ (۲/۱)	مادر
۲	زیردیپلم - دیپلم (۶۷ نفر)	۲۷/۴ (۴/۳)	۵/۶ (۰/۹۲)	۲۱/۹ (۴/۳)	۲۴/۴ (۳/۵)	۱۴/۹ (۲/۷)	مادر
۳	زیردیپلم - دانشگاهی (۲۷ نفر)	۲۶/۵ (۵/۵)	۵/۴ (۱/۳)	۲۱/۸ (۴/۸)	۲۳/۸ (۵/۰۶)	۱۵ (۱/۹)	هیچکدام
۴	دیپلم - زیردیپلم (۳۰ نفر)	۲۶/۱ (۴/۴)	۵/۸ (۰/۵۳)	۲۱/۷ (۳/۵)	۲۴/۳ (۲/۷)	۱۵/۱ (۱/۸)	مادر
۵	دیپلم - دیپلم (۱۴۶ نفر)	۲۵/۸ (۵/۰۶)	۵/۶ (۱/۰۳)	۲۲/۰۳ (۴/۱)	۲۳/۸ (۳/۸)	۱۵/۷ (۱/۹)	مادر
۶	دیپلم - دانشگاهی (۱۵۱ نفر)	۲۵/۳۵ (۵/۷)	۵/۵ (۱/۱)	۲۲/۳ (۳/۹)	۲۳/۷ (۳/۹۹)	۱۶ (۲/۱)	مادر
۷	دانشگاهی - دیپلم (۱۳ نفر)	۲۳ (۸/۶)	۵/۴ (۰/۹۷)	۲۱/۶ (۶/۸۶)	۲۲/۵ (۶/۲)	۱۶/۱ (۱/۷)	مادر
۸	دانشگاهی - دانشگاهی (۹۰ نفر)	۲۲/۵ (۷/۵)	۵/۱ (۱/۵)	۲۰/۴ (۵/۲)	۲۱/۴ (۵/۸)	۱۶/۷ (۱/۷)	هیچکدام
		تحلیل واریانس					
		F=۸/۲	F=۲/۹	F=۲/۴	F=۶/۲	F=۱۵/۷	
		P=۰/۰۰۰	P=۰/۰۰۵	P=۰/۰۰۱	P=۰/۰۰۰	P=۰/۰۰۰	
		ETA=۰/۲۷	ETA=۰/۱۶	ETA=۰/۱۵	ETA=۰/۲۴	ETA=۰/۳۶	
		آزمون پس از تجربه					
		شفه					
		گروه ۱ با ۸	گروه ۱ با ۸	گروه ۱ با ۸	گروه ۱ با ۸	گروه ۱ با ۸	
		گروه ۲ با ۸	گروه ۱ با ۸	گروه ۱ با ۸	گروه ۲ با ۸	گروه ۲ با ۸	
		گروه ۵ با ۸			گروه ۵ با ۸	گروه ۵ با ۸	
		گروه ۶ با ۸			گروه ۶ با ۸	گروه ۶ با ۸	
						گروه ۶ با ۲	

\* انحراف معیار در زیر میانگین و داخل پرانتز آمده است.

یافته‌های مندرج در جدول شماره ۵ دلالت دارند که کمینه مقدار میانگین در کلیه شاخصهای دینداری مربوط به گروهی از نوجوانان است که پدر و مادرشان تحصیلات دانشگاهی دارند. یعنی فرزندان زوجهای تحصیلکرده دانشگاهی نسبت به سایر گروههای خانوادگی پایینترین تعلقات مذهبی را داشته‌اند. یافته‌ها همچنان نشان می‌دهند که این گروه از نوجوانان واجد بالاترین معدل درسی بوده و موفقیت تحصیلی این گروه (فرزندان نوجوان زوجهای تحصیلکرده دانشگاهی) از سایر گروهها بیشتر است.

در مقابل، فرزندان نوجوان والدینی که تحصیلات زیر دیپلم داشته از حیث شاخصهای مختلف دینداری دارای بیشترین مقدار میانگین و از حیث موفقیت تحصیلی (با شاخص معدل درسی) کمترین نمره را به دست آورده‌اند. نتایج تحلیل واریانس برای آزمون معناداری اثر تحصیلات والدین بر ابعاد سه‌گانه دینداری (بعد مناسکی دین، عقیدتی دین و تعهد مذهبی) و خود دینداری کل و معدل درسی نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین‌های نمونه تحقیق "واقعی" است. در واقع چون سطوح معناداری کلیه آزمونهای F کمتر از ۰/۰۵ است می‌توان اظهار داشت که به احتمال ۹۵ درصد اطمینان همین تفاوت در نوجوانان جمعیت مبنای نمونه‌گیری (جامعه آماری) هم وجود دارد.

نتایج آزمون پس از تجربه شفه نیز نشان می‌دهد که تفاوت اصلی و تعیین‌کننده میان شاخصهای مختلف دینداری و معدل درسی نوجوانان جمعیت تحقیق بر اساس سطوح مختلف تحصیلات والدین مربوط به گروه ۸ (والدین تحصیلکرده دانشگاهی) با گروه ۱ (والدین واجد تحصیلات زیر دیپلم) است. در واقع تفاوت این دو گروه در هر پنج آزمون شفه مشاهده شده است. البته اگر دو متغیر دینداری کل و معدل درسی را بر اساس سطوح مختلف تحصیلات والدین در نظر بگیریم نتایج آزمون شفه نشان می‌دهد که تفاوت اصلی گروه ۸ (والدین تحصیلکرده دانشگاهی) با دو گروه ۱ (والدین زیر دیپلم) و ۲ (مادر زیر دیپلم و پدر دیپلم) در هر یک از دو متغیر فوق‌الذکر مشترک است. این یافته‌ها همگی در راستایی است که مدل نظری و فرضیه‌های یک و سه تحقیق آنها را پیش‌بینی می‌کرد؛ و انطباق میان داده‌ها و فرضیه‌های مذکور به طرز چشمگیری خوب است.

براساس فرضیه چهار انتظار ما این بود که در گروه نوجوانانی که دارای والدین تحصیلکرده دانشگاهی هستند، به علت تأکید بیشتر به موفقیت تحصیلی فرزند، والدین اهمیت کمتری به انجام مناسک مذهبی نوجوانانشان بدهند. بدین خاطر از نوجوانان جمعیت نمونه تحقیق پرسیده شد که کدام یک از افراد، بیشتر تأکید دارند که شما باید نماز بخوانید؟

بیشترین و فراوانترین پاسخها (نما) برحسب هر گروه تحصیلی والدین در جدول شماره ۵ منعکس شده است. یافته‌های مندرج در آن جدول نشان می‌دهد در حالی که در کلیه گروههای تحصیلی والدین (به جز گروه ۳ که یک مورد غیرعادی محسوب می‌شود) فراوانترین پاسخ از آن «مادر» است ولی در گروه والدین تحصیلکرده دانشگاهی نمای پاسخها «هیچ کدام» است. در واقع در خانواده‌های زوج تحصیلکرده دانشگاهی هیچ یک از «دیگران مهم» نوجوان (پدر، مادر و دوستان نزدیک) تأکیدی بر نمازخواندن آنها ندارند. این یافته نیز شاهی برای تأیید فرضیه چهار تحقیق محسوب می‌شود.



## نتیجه

در این پژوهش براساس چارچوب نظری مدل موقعیتی انتظار می‌رفت که اولاً دینداری نوجوانان خانواده‌های تحصیلکرده دانشگاهی کمتر از سایر خانواده‌های با تحصیلات کمتر و بی‌سواد باشد. ثانیاً میزان موفقیت تحصیلی نوجوانان خانواده‌های تحصیلکرده دانشگاهی بیشتر از سایر خانواده‌های با تحصیلات کمتر و بی‌سواد بوده و ثالثاً در خانواده‌های تحصیلکرده دانشگاهی فشار هنجاری والدین نسبت به انجام مناسک مذهبی فرزندان نوجوان کمتر از سایر خانواده‌ها باشد.

اینها دقیقاً همان چیزهایی بود که ما در جمعیت تحقیق نوجوانان مورد مطالعه مشاهده کردیم و انطباق داده‌های تجربی با ادعاهای نظری و فرضیه‌های تحقیق به طرز چشمگیری خوب بوده است. در واقع نتایج به دست آمده از این پژوهش همانهایی است که چارچوب نظری ارائه شده آنها را پیش‌بینی می‌کرد و واقعیات تجربی صحت تبیین ارائه شده را کاملاً تأیید نمود.

بنابراین می‌توان با اطمینان نسبی اظهار کرد که دینداری ضعیفتر فرزندان خانواده‌های تحصیل کرده دانشگاهی نسبت به سایر خانواده‌ها، بهایی است که این نوع خانواده‌ها برای موفقیت تحصیلی بیشتر فرزندان‌شان برای خاطر باز تولید موقعیت اجتماعی خانواده می‌پردازند. شایان ذکر است این جابجایی نسبی تعلقات دینی به هیچ وجه به معنای تضعیف کامل دین و غیر مذهبی شدن نیست. به هر حال نتایج این تحقیق نشان داد که اگر چه دینداری فرزندان نوجوان والدین تحصیلکرده دانشگاهی کمتر از فرزندان نوجوان سایر خانواده‌هاست، با این حال حتی در بالاترین سطوح تحصیلی والدین، دینداری فرزندان نوجوان آنان نسبتاً قوی یا بالاتر از متوسط نظری مقیاس دینداری بوده است.

در انتها و پایان مقاله، روش‌شناسی علمی ایجاب می‌کند این نکته یادآور شود که، چنین تبیینی ولو آنکه با واقعیتهای مشاهده شده همسازی داشته باشد، لزوماً موجه‌ترین تبیین نیست؛ چون ممکن است شماری از تبیینهای متفاوت نیز به همان سان با آن واقعیات همساز باشد. برای آزمون تبیینهای مختلف باید متغیرها و سازه‌های بیشتری را مورد توجه قرار داد و بر اساس چشم اندازهای دیگر سؤالیهای کاملاً متفاوتی را در برابر واقعیات مطرح کرد. به عنوان مثال آیا تضعیف دینداری را باید نشانه روند عرفی شدن دین و جامعه دینی گرفت و آن را به مثابه چیزی

در ذات تحصیلات عالی محسوب کرد؟ آیا تحصیلات والدین فقط موردی خاص است یا معرّف مفهوم عامتری مثل وضعیت طبقاتی یا ... است؟ آیا ورود زنان یا مادران به تحصیلات عالی نشان دهنده دگرگونی بنیادی در نظام ارزشی سنتی است؟ آیا ارتباط مشاهده شده بین تحصیلات والدین و دینداری نوجوانان ناشی از نوع شغل والدین (بالاخص مادر) نیست که تحصیلات بر آن مؤثر است؟ با توجه به اینکه تحصیلات با درآمد همبستگی دارد، آیا می توان تحصیلات والدین را شاخص میزان رفاه خانواده محسوب کرد که این متغیر بر نحوه گذران اوقات فراغت، وسایل و امکانات تفریحی، شبکه ارتباطات اجتماعی و... مؤثر بوده که اینها نیز بر تعلقات دینی اثر می گذارند؟ آیا تفاوت دینداری نوجوانان برحسب تحصیلات والدینشان برای تبیین تفاوت سایر ارزشهای اجتماعی آنان هم قابل اعمال است؟ و آیا ...

پاسخ به این سؤالاها طبعاً بر عهده تحقیقات آتی است.

به هر تقدیر با توجه به اهمیت مسأله ای همچون آثار و نتایج ناخواسته گسترش آموزش عالی در نظام فرهنگی و ارزشی جامعه، لازم و ضروری است تحقیقات دیگر با چارچوبهای نظری بدیل و آزمودنیهای متفاوت در سطوح وسیعتر انجام پذیرد، تا بر آن اساس قادر باشیم مرجح بودن هر یک از احتمالات تبیینی را بر دیگری روشنتر سازیم. تمسک به طرحهای تحقیقاتی جامعتی و پیچیده تر، کیفیت تحلیل را ارتقا می بخشد و اعتماد به نتایج نهایی را بالا می برد و به حذف تبیینهای رقیب کمک می کند. ما تنها خراشی به سطح انداخته ایم و هنوز کارهای زیادی در این حوزه است که باید انجام پذیرد، با این حال امیدواریم نتایج این پژوهش دیگران را به تأمل، تحلیل و تحقیق بیشتر و عمیقتر وادارد.

## مآخذ

- اسدی و همکاران (۱۳۵۹)، گرایشهای فرهنگی و نگرشهای اجتماعی در ایران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، تهران.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، کویر، چاپ اول، تهران.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابریهای اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، توتیا، چاپ اول، تهران.
- دواس، دی.ان (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، نشر نی، چاپ اول، تهران.
- رونژر، پیرت (۱۳۶۴)، مبانی پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه محمد دادگران، نوآور، چاپ اول، تهران.
- سگال، مارتین (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران.
- کارترایت، اروین (۱۳۶۸)، خاستگاه پویایی گروهی، ترجمه حسین شکرکن، رشد، چاپ اول، تهران.
- کمال المنوفی (۱۳۷۵)، اسلام و توسعه، مؤسسه پژوهشهای اجتماعی، بینش، چاپ اول، تهران.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر، چاپ اول، تهران.
- کیوی و کامپنهود (۱۳۷۰)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، فرهنگ معاصر، چاپ اول، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، نشر نی، چاپ اول، تهران.
- لیپست، مارتین (۱۳۷۳)، پیش‌فرضهای اجتماعی دموکراسی، مجله فرهنگ و توسعه، شماره ۱۱، تهران.

- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵)، بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۷)، بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در تهران، مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- مصباح یزدی (آیت الله)، محمدتقی (۷۷-۱۳۷۶)، معرفت دینی، مجله کتاب نقد، شماره ۵-۶، تهران.
- موریش، ایور (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران.
- نراقی، احمد (۱۳۷۵)، نقد عقلی و تعهد دینی، مجله کیان، سال ششم، شماره ۳۴، تهران.
- ویلم، ژان پل (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی (با نقد استاد محمدتقی جعفری)، تبیان، چاپ اول، تهران.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تبیان، چاپ اول، تهران.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۷۰)، استنباط آماری، پیک فرهنگ، چاپ اول، تهران.